

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سارا نیکو

۱۴ فبروری ۲۰۱۶

نقش زنان اصلاح طلب در گرم کردن تنور انتخابات !

با فرا رسیدن زمان انتخابات مجلس شورا و خبرگان ، بار دیگر تمامی نهاد های درون نظام به تکاپو افتاده اند تا تنور انتخابات را گرم کنند. از جمله زنان اصلاح طلب که قبلاً تحت عناوین مختلفی نظیر کمپین یک میلیون امضاء و غیره فعالیت می کردند ، حال کمپینی به نام "تغییر چهره مردانه مجلس" به راه انداخته اند تا به نوبه خود نصفی از جمعیت ایران یعنی زنان را تشویق به شرکت در انتخابات کذائی جمهوری اسلامی بکنند.

واقعیت فوق در شرایطی صورت می گیرد که دولت روحانی که در دو سال گذشته عاجز از پاسخگویی به ابتدائی ترین خواسته های مردم ایران بوده است، در شرایطی که نظام پوسیده سرمایه داری وابسته ایران هر روز بیشتر از روز پیش در باتلاق بحران های بر آمده از نظام جهانی سرمایه داری فرو می رود، آن چنان برای حفظ این نظام غرقه در بحران به دست و پا افتاده که در دروغ گوئی حتی بیشتر از پیشینیان خود از دیوار وقاحت فراتر رفته است. روحانی که از زمان روی کار آمدن خود هم چون همه رئیس های جمهور نظام حاکم ، نهایت دشمنی با زنان و حفظ قوانین زن ستیزانه علیه زنان و سرکوب آنان را بر همگان آشکار کرده است، در رابطه با انتخابات اخیر ضمن تأکید بر ضرورت حضور زنان در مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی گفت "کاندیداتوری زنان در این دو انتخابات برای "افکار عمومی جهان" هم مهم است تا واقعیت این کشور را درک کنند که در این کشور هیچ چیز بر مبنای جنسیت نیست و بلکه بر مبنای شایستگی است".

برای هر کسی که کوچک ترین آشنائی با فضای سیاسی جامعه ایران داشته باشد ، واضح است که شنیدن این سخنان از دهان روحانی را فقط می توان با درجه فریب کاری این موجود دروغگو توضیح داد و گرنه هر انسانی که حتی یک روز هم در جامعه ایران زندگی کرده باشد به روشنی می داند که اساساً جمهوری اسلامی بنای خود را بر اساس قوانین ضد زن و تبعیض علیه زنان پایه گذاشته است. تعرض به حقوق پایه ئی زنان ایران در قوانین ارتجاعی این رژیم، سرکوب مداوم جامعه از طریق سرکوب زنان و با بهانه هائی نظیر حفظ حجاب اسلامی، همگی تلاش برای خارج کردن و عقب راندن زنان از صحنه های اجتماعی می باشد. به عبارت دیگر این تلاش های دست اندرکاران جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوب گرش به منظور تحت کنترل در آوردن نیروی زنان، این نیروی بزرگ اجتماعی صورت می گیرد ، نیروی عظیمی که جمهوری اسلامی در ۳۷ سال گذشته با اعمال تبعیض های گوناگون و ارتکاب به جنایت کوشیده است بر این نیروی عظیم مهار زند. روحانی، این موجود رذل در جامعه ای که شهادت دو زن برابر با شهادت

یک مرد می‌باشد و مردان دو برابر زنان ارث می‌برند و قانوناً زن نصف مرد به حساب می‌آید چگونه به خودش اجازه می‌دهد که ادعا کند در ایران "هیچ چیز بر مبنای جنسیت نیست"؟! وقتی زنان برای مسافرت به اجازه مردان نیاز دارند و حق سرپرستی از فرزندان به پدر می‌رسد، آیا جنسیت معیار قرار گرفته یا به قول روحانی "شایستگی" چنین تبعیضاتی را سبب شده است؟ آیا روحانی جلال، سهمیه بندی دختران در دانشگاه ها، منع زنان در انتخاب برخی از رشته های تحصیلی، طرح کاهش کار زنان، اخراج زنان از شهرداری و ادارات دولتی و ده ها طرح و قانون ضد زن در نظام جمهوری اسلامی را می‌تواند بر اساس عدم شایستگی زنان توضیح دهد و آن گاه ادعا کند که در این کشور هیچ چیز بر مبنای جنسیت نیست؟ در واقعیت، روحانی صرفاً برای فریب "افکار عمومی جهان" و هم چنین جلب توجه اربابان امپریالیستش به چنین دروغگوئی هائی متوسل شده که مرغ پخته را هم به خنده وا می‌دارد.

در پرتو چنین فریب کاری ها و دروغگوئی های شاخدار در درون حاکمیت است که یک بار دیگر ما شاهد شرکت فعال زنان اصلاح طلب که این بار با "کمپینی" دیگر به کمک نظام شتافته اند، هستیم. این زنان رفرمیست، هر بار چرخ نظام جمهوری اسلامی در گل گیر می‌کند، به مثابه پیاده نظام این رژیم تلاش کرده و می‌کنند که نیروی مبارزاتی زنان جامعه را به انحراف کشانده و به مسیری رهنمون سازند که کوچک ترین آسیبی به نظام ظالمانه حاکم نرسد. این ها، این بار هم با راه اندازی کمپین "تغییر چهره مردانه مجلس" به کمک خامنه ای و روحانی شتافته‌اند و زنان را تشویق به مشارکت در انتخابات و رأی دادن برای مجلس دهم می‌کنند. هدف عاجلی که این "کمپین" مدعی است که در روبه روی خود گذاشته است، طرح خواست حداقل ۵۰ کرسی برای زنان در دهمین دوره مجلس می‌باشد. زنان اصلاح طلب این خواست را نه تنها "دیر هنگام" می‌دانند، بلکه ادعا می‌کنند که اگر زنان پیشرو در همان اوایل روی کار آمدن نظام علیه "نرینه سالاری" ایستاده بودند، الان کشور به این روز نمی‌افتاد و به صورت زنان اسید پاشیده نمی‌شد! این ادعا البته به منظور فریب افکار عمومی و پاک کردن دستان آلوده به خون دست اندرکاران جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد که در همان اوایل روی کار آمدن خود با خون ریزی و ارتکاب به وحشیانه ترین جنایات ها، مقاومت و مبارزه زنان ایران را در هم شکسته و به قول این ها "نرینه سالاری" را بر جامعه حاکم کردند. خنده دار است که این ادعا را زنان رفرمیستی می‌کنند که در این ۳۷ سال حیات ننگین جمهوری اسلامی، همواره تمام تلاش خود را در جهت حفظ این نظام گنبدیده به کار گرفته و همواره در کنار حاکمان ایستاده‌اند. کسانی که حداکثر احقاق حقوق زنان در بند ایران را از آیت الله ها گدائی کرده‌اند و در واقعیت تمام موجودیتشان با چانه زدن با قدرت مداران حاکم تعریف می‌شود. حال، امروز آن ها به آن جایی رسیده‌اند که زنان پیشرو ایران را که در همان اوایل روی کار آمدن جمهوری اسلامی علیه قوانین زن ستیز این رژیم به پا، مسؤول شرایط رنج آور کنونی زنان در ایران می‌نامند!

دست اندرکاران کمپین "تغییر چهره مردانه مجلس" در تلاش برای حفظ نظام زن ستیز جمهوری اسلامی، کوشیده‌اند در رد ضرورت مبارزه مسلحانه علیه این رژیم هم قلم فرسائی کرده باشند. آن ها می‌گویند "زنان برای تغییر لازم نیست چون گذشته سیانور زیر زبان خود بگذارند و یا اسلحه به دست بگیرند" (۱) گذشته از درجه ساده اندیشی که در این سخنان دیده می‌شود، لیکن در بطن این سخنان، نکته عمیقی نهفته است که خود گویای واقعیات موجود در جامعه ایران می‌باشد، و آن اینست که مبارزات قهر آمیز و انقلابی زنان جنبش مسلحانه و به خصوص زنان چریکهای فدائی خلق در دهه ۵۰ و رسم و رزم مبارزاتی آنان علی رغم تمامی تبلیغات دشمنان مردم، کماکان در جامعه ما مطرح و تأثیر گذار می‌باشد و گر نه چه دلیلی وجود داشت که این زنان رفرمیست و اصلاح طلب که خود در تمامی نوشته های شان ادعا می‌کنند که دیگر "جوانان امروز آرمانخواه نیستند"، چنین پندار مآبانه در رد ضرورت استفاده از سیانور و بر داشتن سلاح برای رهائی از شرایط خفت باری که جمهوری اسلامی بر زنان ایران تحمیل کرده، قلم فرسائی کنند!

خود این سخنان گذشته از این که نشان می‌دهد اینان چقدر از مبارزات زنان انقلابی در هراسند ، در عین حال نشان دهنده آتشی سرخ در زیر خاکستر جامعه ایران می باشد که با کوچک ترین جرقه ای ، انقلاب بزرگ مردم ایران برای نابودی کلیت رژیم جمهوری اسلامی را در خود می پروراند. البته این زنان فرمیست در مقطع مبارزات قهرمانانه مردم ایران در سال ۸۸ و شرکت فعالانه زنانی که دوش به دوش مردان ، خیابان ها را به صحنه مبارزه تن به تن با جلادان جمهوری اسلامی تبدیل کردند ، ماهیت واقعی خود را نشان دادند. برای نمونه کمپین یک میلیون امضاء زنان فرمیست که قبل از جنبش ۸۸ به راه انداخته بودند ، در آن مقطع به خوبی به زنان ایران نشان داد که همواره در بزنگاه های تاریخی و زمانی که مبارزات مردم حیات نظام را تهدید کند ، در کنار حاکمیت و در مقابل زنان قرار می-گیرد. اما علی رغم همه امکاناتی که خود حاکمیت برای گسترش فعالیت های زنان اصلاح طلب فراهم می‌کند در مبارزات عظیم سال ۸۸ عملاً شاهد بودیم که زنان مبارز ما هیچ وقعی به سخنان نا امید کننده اینان نگذاشته و با مبارزات خود عملاً نشان دادند که راه به دست آوردن آزادی و برابری فقط از کانال مبارزه برای نابودی کلیت رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد و نه تسخیر صندلی های شکسته مجلسی که می‌باید از بیخ و بن نابود شود.

واقعیت این است و تجربه نشان داده که رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی حتی همین اطلاع طلبان پاسدار رژیمش را هم به بازی خواهد گرفت و تنها نقشی که برای چنین کمپین هائی قائل است این است که آن ها با فریب کاری های خود تنور انتخابات را گرم نگاه دارند. آن ها در این رژیم همان نقشی را دارند که خامنه ای اخیراً در پاسخ به اعتراضاتی که علیه رد صلاحیت کاندیدا ها به راه افتاده بود با وقاحت تمام مطرح کرد. او به صراحت بیان کرد که من گفتم در انتخابات شرکت کنید اما نگفتم که انتخاب هم بشوید! این سخنان وقیحانه به روشنی ماهیت سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی را در مقابل چشم همگان قرار می دهد. اما طرح های زنان اصلاح طلب برای گرم کردن تنور انتخابات جمهوری اسلامی نشان می دهد که منافع طبقاتی آنان اجازه نمی دهد که معنای واقعی این سخن "ولی فقیه" ارتجاع حاکم را درک کنند.

بهمین [دلو] ۱۳۹۴

زیرنویس:

(۱) وحشت زنان اصلاح طلب از مبارزات انقلابی را در لینک زیر می‌توانید مطالعه کنید:

<http://www.feministschool.com/spip.php?article7847>